

خارج فقه استاد عالی قدر محسن اراکی دامت برکاته

چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۸۷

آیا فقیه می تواند اقامه جمعه کند یا نه؟

بحث بر چند فرض بود:

مبنای اول: قائل به ولایت فقیه نباشیم مطلقاً

گفتیم این مبنا قائلی ندارد

مبنای دوم: مانند آقای بروجردی که قائل به ثبوت ولایت جزئی برای فقیه باشیم. چون مسائلی

وجود دارد که شارع راضی به ترک آنها نیست.

بحث تا اینجا در اموری بود که مشروط به بسط ید امام بود و فقیه هم مبسوط الید نبوده.

حال بحث جدید این است که اگر در همان اموری که امام بسط ید نداشت، برای فقیه بسط ید حاصل شد

تکلیف چیست؟ مثل عصر خود ما که عصر بسط ید فقیه است، يجب علیه اقامه الجمعة او لایجب؟

از بیان مرحوم بروجردی استفاده می شود که:

دلیلی بر جواز تولی فقیه نسبت به اموری که امام بسط ید نداشته، نداریم. چون ادله دالّه بر ولایت فقیه، فقط فقیه

را در حوزه اموری که بسط ید امام شرط نیست مجاز می داند. و آنچه امام در آن مبسوط الید نبوده آنرا به فقیه

محول نکرده است.

نقد:

اگر این بیان مرحوم بروجردی را بپذیریم منجر به تهافت در کلام ایشان خواهد بود، (همان بیانی که ایشان در

امور مهمه ای مثل اقامه حدود و ... داشتند که فقیه مأذون است، ما همان بیان را در امور مهمه دیگر مثل اقامه

جمعه که نیاز به بسط ید داشت، جاری می کنیم. چون خود ایشان فرمود که شارع راضی به فوات آنها نیست. پس

چه کسی آنها را انجام دهد، امام مبسوط الید نبوده و این امور مشروط به بسط ید امام است.) چون این امور

مشروط به بسط ید امام است، حال آیا وجوب فعلی آنها مشروط به بسط ید امام است یا جعل آنها مشروط به بسط ید امام است؟ بسط ید شرط چیست؟

و اگر فرض کنیم که امور مهمه ای مثل اقامه حدود، حفظ مرزها و ... مشروط به بسط ید است، چه چیز آن مشروط به بسط ید است؟ معلوم است که فعلیت آنها است که مشروط به بسط ید امام است! و این منتهی می شود به این که آن امور مهمه ای که مرحوم بروجردی فرمودند لا یرضی باهمالها الشارع مهمل بماند و فقیه مبسوط الید آنها را اقامه نکند!

اصل حکم مشروط به بسط ید است یا فعلیت وجوب مشروط به بسط ید است؟

و وقتی بسط ید شرط جعل وجوب آن امور مهمه بود، با بسط ید فقیه وجوب فعلیت آن هم می آید و وجوب تام می شود.

مثل واجبی که قدرت بر انجامش نداریم مثل اقامه عدل در همه جای دنیا، که واجب است و آیه داریم ان الله یأمر بالعدل و الاحسان، وجوب هست ولی فعلیت ندارد، حال که وجوب بود اگر قدرت هم آمد یعنی شرط مجعول متحقق شد، وجوب تام می شود، اگر بسط ید برای فقیه حاصل شد، و شرط ید، شرط مجعول و امتثال بود، حال که شرط حاصل شد واجب کار خود را می کند.

نماز جمعه از امور مهمه ای است که لا یرضی الشارع بفواتها، پس باید امام معصوم کسی را باید معین کرده باشد، و قدر متیقن فقیه است.

با این بیان روشن می شود که اصلاً قول به تخیر، مبنی ندارد و وجهی ندارد:

چون اگر ما قائل به شرطیت امام او من نصبه باشیم، باید قائل به شرط در صحت باشیم،

ادله قبلی شرطیت امام او من نصبه را برای صحت انعقاد درست می کند. یعنی اگر شرط حاصل نیست و امام او من نصبه حاضر نیست، نماز جمعه صحیح نخواهد بود.

حالا اگر شرطیت حضور امام در صحت انعقاد منتفی شود، یعنی اگر شرط صحت متوفر است، و بسط

ید فقیه حاصل است، به چه دلیل قائل به وجوب تخیری می شویم؟

یا نماز جمعه از مناصب مختصه امام ع است ، که حضور امام شرط صحت خواهد بود ، و اگر از مناصب مختصه امام نیست ، در فرض مبسوط الید بودن فقیه ، ادله می گویند که اقامه نماز جمعه واجب تعیینی بر فقیه می شود. در جایی که شرطیت امام او من نصبه در صحت انعقاد منتفی شود و نماز جمعه صحیح شود بر فقیه واجب تعیینی می شود.

اگر شرط صحت آن که حضور امام او من نصبه است حاصل نیست ، که اصلاً وجوب ندارد ولی اگر حضور امام شرط صحت نیست ، و اگر با بسط ید فقیه شرط صحت آن حاصل است که می شود باز واجب تعیینی! خلاصه، نماز جمعه یا واجب است، یا حرام و چیزی به نام وجوب تخییری نداریم. لذا اقامه جمعه می شود واجب تعیینی بر فقیه.

مبنای سوم : حال اگر قائل شدیم به ولایت مطلقه فقیه:

ابتدا باید بفهمیم منظور از این ولایت چیست! منظور از ولایت فقیه، ولایت بر حُکم است. مثل آنچه که حکام دنیا برای خود قائل اند. و حق ولایت قائل هستند. یعنی اگر حکام گفتند کاری انجام بشود و بقیه نه گفتند و مخالفت کردند ، حکام کوتاه آمدن را منافی حق حاکمیت خود می دانند. لذا حاکم کسی است که می گوید چه چیز قانون است ، یا قانون نیست.

روشن است که طبق این مبنای پذیرش ولایت مطلقه فقیه ، آنچه که بر امام واجب است و وظیفه امام است، وظیفه فقیه هم خواهد بود و بر او واجب خواهد بود، وظائف امام که به نحو واجب تعیینی بوده ، به همان نحو واجب تعیینی و وظیفه فقیه می شود. مثل نماز جمعه ، که آنجایی که امام معصوم بالمباشره متصدی حکومت است ، نماز جمعه وظیفه واجب تعیینی اش بود ، که استثنائاتی که در حدیث وارد شده نشان دهنده این است که واجب تعیینی بوده است والا استثناء کردن معنی نداشت.

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

<http://1zokr.com>

Copyright © 1Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است